

به نامی که مان با خود آمیخته است

و در قالب یک غزل ریخته است

که از مطلعش تا تنگش تمام

بلا وقفه با عنبر در آویخته است

زبان فارسی

www.ketabo.ir

علی بُداغی

بداعی، علی، ۱۳۳۶ -
 زبان فارسی / علی بداعی - تهران: میلاد دانش، ۱۳۸۴.
 ۱۶۸ ص: جدول.
 ۳۵۰۰ ریال:
 ۱. فارسی - راهنمای آموزشی، ۲. فارسی - دستور - آزمونها و تمرینها
 ۴ ز ۲ / ۲۶۹۳ PIR
 ۴ فا ۵ / ۰۷۶
 کتابخانه ملی ایران
 ISBN 964 - 8883 - 00 - 9
 ۳۷۹۶ - ۸۴ م



دفتر مرکزی: میدان توحید، نصرت غربی، شماره‌ی ۶۰

- نام کتاب: زبان فارسی
- مؤلف: علی بداعی
- ناشر: مؤسسه‌ی انتشاراتی میلاد دانش
- حروف چینی: مؤسسه‌ی انتشاراتی میلاد دانش
- صفحه‌آرایی و نظارت پایانی: علی گل افرا
- طراحی جلد: محمد تابش
- مسئول فنی: مهدی رحمانی
- چاپ: معراج
- شمارگان: ۳۰۰۰ جلد
- چاپ اول: ۱۳۸۴
- تلفن: ۶۹۴۷۵۷۵-۶۴۲۸۸۵۵-۶۹۲۱۴۲۶-۶۹۱۹۴۰۷
- بها: ۳۵۰۰ ریال

شابک: ۹۶۴-۱۱۱۱۳-۰۰-۹

همه‌ی حقوق برای ناشر محفوظ است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند
 استفاده از مطالب کتاب با ذکر منبع بلامانع است



نخست آن که ، آورده‌اند که کتاب بی مقدمه مانند آدم بی شناسنامه است . و کودک سر به هوای این کتاب، شناسنامه‌ی خود را در کوچه پس کوچه‌های بی حوصلگی نگارنده گم کرده است و دل و دماغ دنبال صدور المثنی دویدن را هم که هیچ . پس بر عهده‌ی خرد توی خواننده می‌ماند که آیا با گردآمدی از واژه‌ها روبه‌روست که راه گردآورنده را به قلّه‌های رفیع نام و نان (😊) بگشاید یا

آلا «دوستت می‌دارم» بارم نیست با طعنه‌ی تلخ «آخرش؟» کارم نیست

تا پرچم پاره پوره‌ی دل برپاست می‌آیم و عالمی جلو دارم نیست

و دو دیگر، آن که ، این گردآمده را با تمامی دل‌خویش تقدیم می‌دارم به همیشه بهاران بی خرم، بهداد و بهین، که باران حضورشان خستگی‌ها را می‌تاراند و دانش‌آموزان نازنینی که نرم‌ریز نگاه و آرام‌وز (نه آرام‌پز) کلامشان صخره‌ها را هم به رویش برمی‌انگیزاند چه رسد به چون منی که

چه تفاوت دارد

تمام نگاه‌ها اگر

سنگ می‌شود

من

دلج برای سنگ‌ها هم

تنگ می‌شود

و سه دیگر و در پایان ، آن که ، شعری را که بسیار بر پرنیان دل‌های نازک دانش‌آموزان نازنینم نشسته است بر سردر این کلبه‌ی با واج برآمده نقش می‌زنم تا پاس داشته باشم آن همه و این همه مهربانی‌های آنان را.

«پنج وارونه چه معنی دارد؟»

فواهر کوچکم از من پرسید

من به او فندیدم.

کمی آزرده و میرت زده گفت:

«روی دیوار و درفتان دیدم»

بازهم فندیدم.

گفت: «دیروز فودم دیدم مهران پسر همسایه

پنج وارونه به مینو می‌داد.»

آن قدر فنده بزم داشت

که طفلک ترسید.

بغلش کردم و

بوسیدم و

با خود گفتم :

بعدها

وقتی باریدن بی‌وقفه‌ی درد

سقف کوتاه دلت را خم کرد

بی‌گمان می‌فهمی

پنج وارونه چه معنی دارد.

رفت و سیبی آورد

نصف کردیم .

دمی فیره بر آن نیمه به نموا می‌گفت :

«نگند یعنی ... یعنی ... همین نیمه‌ی سیب؟»

تن آن نیمه، تب فواشش بود.

گاز زد.

فنده‌ی لب‌های فدا را چیدم .

فیره بر نیمه‌ی گندیده‌ی خود فندیدم.

علی بداغی

بهار ۱۳۸۴



فهرست

۱۳۲	وامدهای زبر زنجیری گفتار	۱	واج
۱۳۳	نامطابق‌های املایی	۶	آزمون ۱
۱۳۳	کلمات دخیل در املای فارسی	۹	پاسخ‌نامه‌ی آزمون ۱
۱۳۳	نظام معنایی زبان	۱۷	تک‌واژ
۱۳۵	آزمون ۸	۲۵	واژه
۱۳۸	پاسخ‌نامه‌ی آزمون ۸	۲۷	آزمون ۲
۱۴۸	گونه‌ی آزاد	۳۰	پاسخ‌نامه‌ی آزمون ۲
۱۴۸	واژه‌های متشابه	۴۱	سافتمان واژه
۱۴۸	کاربرد درست کلمات	۴۴	آزمون ۳
۱۴۸	اشتباهات املایی	۴۷	پاسخ‌نامه‌ی آزمون ۳
۱۴۸	کاربرد قید تأکید	۵۲	گروه
۱۴۸	واج میانجی	۵۵	آزمون ۴
۱۴۹	فاصله	۵۸	پاسخ‌نامه‌ی آزمون ۴
۱۴۹	واژه‌های بی‌تشدید	۷۰	جمله
۱۴۹	واژه‌های دو تلفظی	۷۵	جمله‌ی ساده و انواع آن
۱۵۱	فرآیندهای واجی	۷۷	آزمون ۵
۱۵۱	ویرایش	۸۳	پاسخ‌نامه‌ی آزمون ۵
۱۵۱	رادهای پرورش معانی	۹۵	گروه فعلی
۱۵۲	نگارش تشریمی	۱۰۳	آزمون ۶
۱۵۲	زندگی‌نامه نویسی	۱۰۷	پاسخ‌نامه‌ی آزمون ۶
۱۵۲	بازگردانی - بازنویسی	۱۱۳	نقش‌های گروه اسمی
۱۵۲	نقش‌های زبان	۱۱۷	آزمون ۷
۱۵۳	مرجع‌شناسی	۱۲۲	پاسخ‌نامه‌ی آزمون ۷
۱۵۴	آزمون ۹	۱۳۱	مطابقت نهاد و فعل
۱۵۷	پاسخ‌نامه‌ی آزمون ۹	۱۳۱	انواع مذف